

مبانی فقهی و حقوقی خیار غبن با نگاهی به قانون مدنی

جمهوری اسلامی ایران

فروزان رضایی^۱

کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز خرم آباد، لرستان

کلثوم موسوی شهشاهیوند

کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز خرم آباد، لرستان

چکیده

یکی از خیاراتی که در مباحث فقهی و حقوقی مطرح شده، خیار غبن است. خیار غبن به عنوان یکی از خیارات شانزده گانه در فقه، اختیار فسخ معامله است، بدین معنا که هرگاه تملیکی به زیادت یا کمتر از بهای واقعی آن صورت پذیرد در حالی که طرف قرارداد از حقیقت امر آگاه نیست، غبن تحقق یافته و اگر فاحش باشد، به معنوی حق فسخ معامله را می دهد. در مورد زمینه ایجاد غبن باید گفت غبن جزء عقود محسوب می شود بنابراین در ایفاعات راه ندارد؛ مبنای فقهی غبن در این جا مبتنی بر قاعده لاضرر و سیره عقلا و عرف و ... باشد. از آنجا که خیار غبن از خیارات فوری است، شخص متضرر باید در یک مدت زمان معقول که بر طبق عرف پذیرفته باشد برای این خیار اقدام کند. اگر شخصی در ضمن عقد شرط کند تمام خیارات خود را ساقط می کند حتی غبن فاحش، نسبت به شمول یا عدم شمول آن اختلاف نظر در بین فقهای معاصر وجود دارد که به نظر می رسد چنین حقی قابل اسقاط نیست.

واژگان کلیدی: خیار غبن، مبانی و مستندات فقهی، حقوق مدنی، اسقاط خیار، اثبات خیار.

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

در متون فقهی فقههای متقدم اثری از طرح خیار غبن ملاحظه نمی‌شود و از بعضی از بزرگان مانند محقق اول و اسکافی نقل شده که در درس خود با آن مخالفت ورزیده‌اند. (انصاری، ج ۵، ۱۴۱۵: ص ۱۸۵) اما به هر جهت نظریه غبن به عنوان یک قاعده عمومی در قراردادها به تدریج در متون فقهی مطرح گشت و به مرور زمان فقیهان آن را مورد مذاقه و بررسی عمیق قرار داده‌اند. نکته مهم آن که در قرآن کریم و روایات، نص صریحی که دلالت بر وجود خیار غبن کند، وجود ندارد و آن چه در فقه و در قانون مدنی ایران در این خصوص مطرح است، استنباط و اندیشه فقیهان از آیات و روایات است. اختلاف دیدگاه‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش نظریه غبن بر این منطبق استوار است که بعضی معتقدند: در صحنه داد و ستد همه در جست و جوی ثروت از راه غلبه بر حریفان خود هستند و اساس معامله بر تنازع تفاوت ارزش میان دو عوض نهاده شده است و هرکس باید با اطلاع وارد معامله شود و بر پای خویش بایستد. براین اساس شارع و عرف نابرابری متعارف بین دو عوض را مشروع می‌بیند؛ البته تا جای که پای نیرنگ و شکستن مرزهای قانونی و اخلاقی در کار نباشد. در مقابل موافقان نظریه غبن بر این باور هستند که آزادی قراردادها نمی‌تواند منجر به اجرای عدالت شود و می‌طلبد که قانونگذار در این زمینه دخالت کنند تا هیچ کس نتواند از ناتوانی و ناآگاهی طرف خود سوء استفاده کند. علاوه بر این نظریه‌های اشتباه و تدلیس برای حمایت از مغبون کافی نیست. مشهور فقیهان نیز با استناد به قاعده لاضرر قائل به خیار غبن براساس این ملاک و مبنا هستند. درمورد خیار غبن باید توجه داشت که اگر مغبون بعد از اطلاع از غبن، خیار خود را اسقاط کند هیچ ایرادی وجود ندارد. اشکال از آن جا آغاز خواهد شد که در ضمن عقد کافه‌خيارات اسقاط شده باشد یا به تصریح خیار غبن را ساقط کرده باشند. اشکال آن گاه غامض تر می‌گردد که در ضمن عقد تأکید شده باشد که طرفین خیار غبن فاحش را نیز ساقط کرده‌اند، چراکه در این اواخر قرارداد های فراوانی دیده شده است که حتی پا فراتر نهاده و کلیه خيارات، حتی خیار غبن فاحش بلکه افحش را نیز ساقط کرده‌اند. (مهدوی، ۱۳۹۷: ص ۴) در این پژوهش مبانی و مستندات خیار غبن از دیدگاه فقهی و در حقوق مدنی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بخش اول: مفهوم شناسی خیار

بند اول: مفهوم لغوی خیار

واژه خیار در لغت از نظر دستوری اسم مصدر و مصدر آن اختیار است و به معنای داشتن سلطه و تسلط هست. «و انت بالخیار»، یعنی اختیار کن چیزی را که می‌خواهی و همین معنی اخیر در این جا مورد نظر می‌باشد. (فیض، ۱۳۸۲: ص ۳۲۶)

خیار در لغت: تسلط قانونی شخصی در اضمحلال عقد

بند دوم: معنای اصطلاحی خیار

معنای اصطلاحی خیار، با معنای لغوی آن متفاوت است؛ از همین رو سبب اختلافاتی در بین فقها شده و لذا در اصطلاح قدما، نیز تعریف مضبوطی از خیار وجود ندارد. فخر المحققین در ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، خیار را در تعریفی موجز و گویا به «هو ملک فسخ العقد» معنا کرده است. (فخرالمحققین، ج ۱، ۱۳۸۹: ص ۴۸۲) که شیخ آن را پذیرفته و مورد اتباع بقیه فقها نیز واقع شده است. (حسینی عاملی، ج ۴، ص ۵۳۸) خیاری که در باب معاملات مورد بحث واقع شده عبارت است از این که هر یک از متعاملین و یا یک نفر از آن‌ها یا شخص ثالثی، اختیار فسخ معامله را دارد. (شهید ثانی، ج ۲، ۱۴۰۳: ص ۴۵۲)، به هر حال خیار به معنای اختیار فسخ عبارت است از حقی که بر اساس عقد یا حکم شرع، صاحب آن می‌تواند عقد لازم را فسخ، اثبات و یا ابقاء نماید. (گرجی، ۱۳۷۸: ص ۵۹)

بند سوم: معنای خیار در حقوق مدنی ایران

مفهوم خیار در حقوق مدنی ایران عبارت است از تسلط بر اضمحلال و زایل نمودن اثر حاصل از عقد که در قانون مدنی ما تعریفی از واژه خیار نشده است و این امر شاید بدان جهت باشد که قانون‌گذار مفهوم خیار را از مفاهیم بدیهی دانسته است، لیکن در قانون مدنی در فصل اقسام عقود، عقد خیاری تعریف شده که ماده ۱۸۸ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد:

نتیجه این که خیار در اصطلاح حقوقدانان عبارت از حقی است برای متبایعین یا یکی از آنها که می‌تواند عقد لازم را به هم بزند. (امامی، ج ۱، ۱۳۴۷: ص ۴۷۵).

بند اول: معنای لغوی غبن

خیار غبن: هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشند بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند در صورتی که عرفاً نسامحه نباشد

بند دوم: معنای اصطلاحی غبن

غبن در اصطلاح فقهی اصلش فریب است و در اصطلاح فقهی به مالکیت درآوردن مال است به قیمت این که از قیمت اصلی زیاد باشد و همراه جهل طرف دیگر باشد. (انصاری، ج ۵، ۱۴۲۰: ص ۱۵۷)، در تعریف دیگر، در اصطلاح فقها، غبن عبارت است از (تملیک ماله بما یزید علی قیمته مع جهل الآخر بالحال) یا مبادله مال به زیاد بودن از ثمن المثل یعنی هرگاه شخصی مال خود را به زیادتر از قیمت واقعی مال، به دیگری تملیک کند، در حالی که طرف قرارداد از آن آگاه نیست و جاهل است، غبن تحقق می‌یابد. (سبحانی، ۱۴۱۶: ص ۲۹۵) و در حقوق نیز به زیان رساندن به کسی، با فریب وی در معامله غبن، گویند. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ص ۱۴۲۴).

بند سوم: معنای غبن در حقوق مدنی ایران

غبن در اصطلاح حقوقی، به مفهوم عدم تعادل میان مورد معامله و ارزش مقرر آن است مانند عدم تعادل میان ثمن و مبیع تعریف شده است. (نوبین، ۱۳۸۴: ص ۱۲۵)

بند چهارم: خیار غبن

خیار غبن در جایی است که بایع مبیع را به کمتر از ثمن مثل بفروشد یا به بیشتر از آن بخرد و قیمت واقعی آن را نداند. (امام خمینی، ج ۲، ۱۳۷۸: ص ۱۵۸) و در اصطلاح حقوقی عبارت است از زبانی که در اثر عدم تعادل بین عوض معامله و ارزشی که مورد معامله واقعا دارا بوده، به میزان فاحش به مغبون وارد شده است. (شهیدی، ۱۳۹۱: ص ۵۸)

در قانون مدنی ایزان نیز خیار غبن را در ماده ۴۱۶ این گونه تعریف کرده است:

«هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند». و طبق ماده بعدی، غبن فاحش در صورتی است که عرفا قابل مسامحه نباشد. موضوع در حقیقت به این صورت است که شخص، مثلاً مالی را به بیشتر یا کمتر از قیمتش (قیمت اصلی و واقعی‌اش) می‌خرد یا می‌فروشد، حال اگر اختلاف از نظر عرف قابل گذشت نباشد، شخصی که در معامله دچار زیان گشته، می‌تواند معامله را، به استناد خیار غبن به هم بزند. بنابراین در فقه و حقوق با زیان رساندن به کسی و یا فریفتن وی در معامله، دارای خیار غبن می‌شویم. به عبارت دیگر غبن عبارت از آن است که یکی از طرفین با دیگری برابری نکند که در فقه اسلامی با وجود شرایطی از جمله وجود غبن فاحش موجب خیار غبن است.

بند پنجم: شاخصه‌های غبن در حقوق ایران

در حقوق ایران و با توجه به مواد ۴۱۶، ۴۱۷ و ۴۱۸، قانون مدنی، خیار غبن دارای شاخصه‌های ذیل است.

الف- خیار غبن، مختص دو طرف معامله است.

این آیه ظهور دارد در اینکه هرگونه تصرف (اکل) فقط منوط به رضایت طرفین است و نهی شده است از راه‌های غیر مشروع که نمی‌تواند موجب ملکیت اموال دیگری شد مگر از راه تجارت با رضایت طرفین وارد کردند علامه حلی برای اثبات خیار غبن به این آیه استناد می‌کند و بیان می‌کند که معلوم و مشخص است اگر مغبون به چنین وضعیتی علم داشت راضی به این معامله نمی‌شد. (علامه حلی، ج ۱، ۱۴۱۴: ص ۹۸) در نتیجه این آیه بر عدم لزوم معامله‌ای که ترازی در آن نباشد دلالت دارد؛ و از آنجا که در معامله غبنی رضایتی وجود ندارد مغبون می‌تواند معامله را فسخ نماید. اشکال: ۱. ملاک در لزوم معامله به رضایت فعلی است که در فرض ما این رضایت حاصل شده است و به خاطر همین رضایت، اقدام به معامله کرده است لذا عقد با چنین وضعیتی لازم است. (حسینی روحانی، ج ۱، ۱۴۲۰: ص ۲۸۶).

استثنای موجود در آیه منقطع است در نتیجه لفظ الا به معنای لکن است و معنای استدراک می‌دهد در نتیجه جمله مستقلی است و دلالت بر حصر نمی‌کند. (طباطبایی یزدی، ج ۳، ۱۹۲۱: ص ۱۰۹) با چنین استدلالی این معامله باطل است زیرا فرد در هنگام معامله به امر موهومی که واقعیت خارجی ندارد راضی شده است؛ و وقتی کشف می‌شود چنین امری وجود ندارد در می‌یابیم که فرد به اصل بیع راضی نبوده است. معامله یا تجارة عن تراض است که معامله صحیح است یا «عن تراض» نیست که جزئه معامله باطل است. (مدنی کاشانی، ۱۳۸۱: ص ۷۸)

بند سوم: استدلال به روایات

• روایت غبن مستترسل

«غبن المسترسل ربا؛ فریب کسی که به تو اطمینان کرده ربا است». (شیخ صدوق، ج ۳، ۱۶۱۳: ص ۲۷۱)؛

در این روایات کلمه مسترسل آمده که به معنای استیناس و اطمینان به یک انسان و اعتماد به یک انسان در آنچه که انسان به او می‌گوید هست، استرسال معنایش این است که اگر کسی به انسان اطمینان کند و از باب اطمینانی که به انسان دارد مطلبی را با او در میان بگذارد؛ در روایات آمده است: «غبن المسترسل سحت».

اشکال؛ شیخ می‌فرماید: انصاف این است که هیچ یک از این روایات دلالت بر خیار غبن ندارد، زیرا این روایات غیر از روایت اول ظاهر در حرمت خیانت در مشاوه است؛ بنابراین احتمال می‌رود که کلمه غبن به فتح باء باشد. روایت اول در مورد مال است ولی چون چند احتمال در آن راه دارد، نمی‌تواند دلیل بر مدعا باشد، مثلاً ممکن است منظور این باشد که غابن به خاطر عمل خدعه و فریب در معامله، مستحق عقاب است و از این جهت شبیه آکل سخت است و یا منظور این باشد، مقدار زیادی که اخذ شده حرام است و بالأخره ممکن است، همان طوری که مشهور گفته اند دلالت بر خیار غبن دارد، منظور این باشد که وقتی مغبون عقد را فسخ کرد، تمام ثمن بر غابن حرام می‌شود و باید به مغبون برگرداند. البته دو احتمال اول و دوم ترجیح دارد، زیرا موافق اصالة الصحه است. (انصاری، ج ۳، ۱۴۱۵: ص ۳۷۰).

• روایت تلقی رکبان

روایت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، «أنه نهی عن تلقی الركبان و قال من تلقاها صاحبها بالخیار إذا دخل السوق» علامه در تذکره به آن اشاره فرموده است که حضرت فرمود نروید با رکبان تلاقی کنید. (فان تلقا احدکم) اگر با رکبان تلقی گردید و بعد آن رکبان دیدن قیمت مالشان پیش از آن بوده است که به شما فروخته اند این رکبان خیار دارند. توضیح روایت این است که این مسئله این گونه بوده است که عده ای اجناس را برای شهر و روستایی می‌بردند که بفروشند؛ اما عده‌ای از افرادی که فکرشان مادی و مالی بوده قبل از اینکه این رکبان وارد ده و شهر شوند به ملاقات و استقبال این‌ها رفته می‌گفتند، این جنسی که آورده‌اید در بازار خیلی مشتری ندارد لذا جنسی که ۱۰۰ تومان قیمت داشت مثلاً ۶۰ تومان از رکبان می‌خریدند و بعد همان جنسها در بازار به دو برابر قیمت می‌فروختند پیامبر از این نهی کرده و فرمودند: با رکبان ملاقات و تلقین نکنید و اگر یکی از شما با آنها ملاقات کرد و جنسی را از آنها خرید، صاحب کالا که همان رکبان هستند حق خیار دارند.

تحقق تلقی رکبان منوط به شرایط ذیل است:

۱. خروج از شهر به انگیزه تلقی رکبان باشد؛ بنابراین اگر شخصی به انگیزه دیگری بیرون رود و به طور تصادفی با کاروان برخورد و با آنان معامله کند کراهت ندارد. (نراقی، ج ۱۴، ۱۴۱۵: ص ۳۹).

۲. حد خروج باید به مقداری باشد که عنوان خروج بر آن صادق باشد و کمتر از چهار فرسخ باشد، بیشتر از آن سفر تجاری محسوب می‌شود.

۳. بازرگانان عازم شهر از قیمت کالای خود یا کالایی که می‌خواهند بخرند در شهر آگاهی نداشته باشند. نجفی، ج ۲۳، ۱۳۷۴: ص ۴۷۳. برخی بین جاهل و عالم تفاوتی قائل نشده‌اند.

۴. کاروان تجارتی قصد ورود به شهر خاصی را داشته باشد؛ بنابراین اگر قصدشان چنین باشد که در هر جای مناسب در مسیر، کالاهایشان را به فروش برسانند، تلقی رکبان اشکال ندارد. (نراقی، ج ۱۴، ۱۴۱۵: ص ۶۲). اشکال؛ ممکن است و اشکال متوجه این روایت باشد؛ او سند این روایت ضعیف است. ثانیاً این روایت خیار غبن را ثابت نمی‌کند. بلکه خیار تلقی را که مختص اهل سنت است بیان می‌کند. امام خمینی (رحمه الله علیه) در پاسخ به این اشکال‌ها می‌فرماید؛ ضعیف بودن سند را قبول می‌کنیم اما ضعف دلالتی این روایت را نمی‌پذیریم؛ زیرا اولاً در روایت اول داشتن خیار منوط به رفتن به بازار شده است چراکه در این صورت مغبون علم به قیمت واقعی پیدا می‌کند در حالی که اگر خیار برای نفس تلقی باشد مناسبتی بین موضوع و حکم وجود ندارد. ثانیاً در روایت دوم یقطع بالحاضرین ربطی به خیار صاحب کالا ندارد و بلکه باید بگوییم اگر قرار نباشد جعل خیار لغو است. زیرا به ندرت اتفاق می‌افتد که در صورت مساوی بودن قیمت معامله با قیمت بازار معامله را فسخ کند (امام خمینی، ج ۳، ۱۴۱۰: ص ۴۱۵).

بند چهارم: استدلال به اجماع

برخی از فقها برای اثبات خیار غبن اجماع استناد نموده‌اند دلیل خیار غبن اجماع فقهای امامیه دانسته شود، از آنجا که اجماع از ادله لبی است باید به قدر متیقن اکتفا کرد. قدر متیقن شامل مسئله تصرف مغبون در مغبون فی نمی‌گردد؛ بنابراین از آنجا که مقدار یقینی، قبل از تصرف است بعد از تصرف چه با علم و چه بدون علم اصلاً خیار غبنی در کار نیست تا ساقط گردد یا ساقط نگردد. با توجه به استدلال‌هایی که توسط فقها به مبنای خیار غبن شده است به نظر می‌رسد بنای عقلاً و شرط ضمنی دلیل محکم تری برای اثبات خیار غبن است؛ زیرا در هر معامله ای تعادل و در عوض در مالیت به عنوان یک شرط ضمنی عرفی در هر عقد است. بنای عقلاً در هر داد و ستدی بر این است که در هر مبادله مالکیت کالای خود را حفظ کنند گرچه این شرط در متن عقد نیست اما این از قرائن لفظیه و حالیه

فهمیده می‌شود. شاهد سخن ما این است که چانه زنی در بیع به خاطر حفظ تساوی متعاملین است؛ بنابراین سیره عقلا بر این بوده است که قیمت کالای مورد معامله مساوی با ثمن باشد و اگر کسی بخواهد این حق را سلب کند خیار به وجود می‌آید که از نابرابری جلوگیری کند. دلیلی که برای اجماع قائم شده بر اینکه در معامله‌ی غبنیه خیار وجود دارد که اگر این اجماع مطلق باشد، یعنی چه در جایی که علم به غبن دارد و چه در جایی که علم ندارد و در جایی هم که علم به غبن دارد، باز مطلق باشد، یعنی چه رضایت به غبن بدهد و چه رضایت ندهد که اگر یک اجماع مطلق این چنینی داشتیم، در اینجا می‌گفتیم که: اجماع داریم و اجماع هم اطلاق دارد و اطلاقش می‌گوید که اگر مغبون بعد از علم به غبن، تصرف هم کرد، باز خیار غبن دارد، در حالی که شیخ (رحمه الله علیه) فرموده: چنین اجماعی نداریم. اجماع یک دلیل لبی است و قدر متیقن از اجماع جایی است که شخص بعد از علم به غبن، رضایت به آن نداشته باشد که در این مورد خیار غبن دارد، اما در جایی که مغبون بعد از علم به غبن، رضایت به آن پیدا می‌کند که در ما نحن فیه تصرف را علامت رضایت به غبن قرار دادیم، دیگر جماعی بر ثبوت خیار غبن وجود ندارد. لذا شیخ (رحمه الله علیه) فرموده: این دو دلیلی که برای خیار غبن آوردیم؛ یک قاعده‌ی لا ضرر و دوم اجماع، این دو دلیل در چنین موردی جریان ندارد. آیت الله مکارم شیرازی می‌فرمایند: ایشان مسأله‌ی خیار غبن را بسیار کم ارزش کرده است. اجماع محصل اگر وجود داشته باشد باز هم کاربردی ندارد زیرا مدرکی است چه رسد به اجماع منقول که شیخ ادعا می‌کند و در رسائل قائل است که چنین اجماعی مورد قبول نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ص ۸).

بخش چهارم: شرایط تحقق خیار غبن

شرایط تحقق خیار غبن عبارت است از:

الف- جهل یکی از طرفین به قیمت روز

ب- فاحش یا افحش بودن دو قیمت

ج- عدم اسقاط شرط خیار برای یکی از طرفین.

بند اول: اسقاط خيار غبن

اسقاط خيار غبن در ضمن عقد و پس از آن امکان پذیر است. اما در هر دو مورد باید به علم یا جهل مغبون نیز توجه داشت.

• اسقاط خيار غبن ضمن عقد

اسقاط خيار غبن در ضمن عقد و در حالتی که مغبون نسبت به حقیقت امر، عالم یا جاهل است به طور جداگانه بررسی می‌شود.

• بعد از علم مغبون به غبن

یکی از احکام خيار غبن، شرایط تحقق این خيار است. قریب به اتفاق فقها و حقوق دانان شروط خيار غبن را دو امر می‌دانند:

۱. فاحش بودن غبن.

۲. عدم علم مغبون به قیمت بازار در زمان قرارداد. (شهید ثانی، ج ۱، ۱۴۱۳: ص ۱۷۹)

بدین ترتیب در اصطلاح فقیهان امامیه، هرگاه تملیکی زیاده‌تر از بهای واقعی انجام شود در حالی که طرف قرارداد از آن آگاه نیست، غبن تحقق می‌یابد و اگر فاحش باشد به مغبون حق فسخ معامله را می‌دهد.

بنابراین اگر شخص به قیمت گرانتر از بازار یک کالا علم داشته باشد و با وجود علم به ضرر، اقدام نموده باشد اقدام او به ضرر خود است و قاعده‌ی لاضرر، چنین ضرری را از شخص دفع نمی‌کند.

شیخ انصاری نیز عدم ثبوت خيار را برای مغبون عالم را با عنوان «بلا خلاف و لا اشکال» یعنی اجماعی بودن مسئله بیان نموده و دلیل آن را اقدام شخص علیه ضرر خود دانسته است. (انصاری، مکاسب، ج ۵:

ص ۱۶۶)

بند دوم: خیار غبن در قانون مدنی

در مواد ۴۱۶ تا ۴۲۱ قانون مدنی به خیار غبن پرداخته شده است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

ماده ۴۱۶:

«هر یک از متعاملین که در معامله، غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می تواند معامله را فسخ کند».

ماده ۴۱۷:

«غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد». (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰)

ماده ۴۱۸:

«اگر مغبون، در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است خیار فسخ نخواهد داشت»

ماده ۴۱۹:

«در تعیین مقدار غبن، شرایط معامله نیز باید منظور گردد».

ماده ۴۲۰:

خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است.

ماده ۴۲۱:

«اگر کسی که طرف خود را مغبون کرده است تفاوت قیمت را بدهد خیار غبن ساقط نمی شود مگر اینکه مغبون به اخذ تفاوت قیمت راضی گردد»

بند سوم: معوض بودن قرارداد

عقد معوض عقدی است که در آن هر یک از طرفین در برابر مالی که می‌دهد یا تعهدی که بر عهده می‌گیرد مال یا تعهدی را برای خود به دست می‌آورد. پس در عقد معوض همیشه دو تعهد متقابل وجود دارد.

غبن زیان ناروایی است که در قرارداد به یکی از دو طرف می‌رسد و مبنای خیار غبن، جبران همین ضرر است؛ یعنی در جایی که دو ارزش با هم مبادله می‌شوند و احتمال دارد که نابرابر باشند.

خیار غبن مخصوص عقد معوض (معامله به معنای خاص) است.

حقوقدانان معوض بودن عقد را از عناصر فسخ و نیز از عناصر خیار غبن دانسته‌اند.

بند چهارم: عدم تعادل اقتصادی عوضین به طور فاحش در زمان انعقاد قرارداد

همه‌ی افراد در معامله خود در پی کسب سود بیشتر می‌باشند و در تلاشند که در مقابل آن چه می‌دهند عوض با ارزشی را به دست بیاورند و این جریان به طور طبیعی باعث عدم تعادل میان ارزش دو عوض می‌شود. چنین تفاوتی لازمه‌ی معامله و تجارت است. گاه نابرابری ارزش‌های مبادله شده چندان زیاد است که تعادل اقتصادی قرارداد برهم می‌خورد و عرف نیز چنین تفاوت فاحشی را تحمل نمی‌کند و مقاومت قانون را به همراه دارد. در چنین شرایطی است که قانون به شخص زیان دیده خیار غبن می‌دهد تا از ضرر ناروا جلوگیری کند. بنابراین عدم تعادل اقتصادی بین عوضین دومین شرط تحقق خیار غبن است.

بند پنجم: جهل مغبون

سومین شرط برای محقق شدن خیار غبن، عدم آگاهی مغبون نسبت به بهای واقعی کالا است.

می‌توان گفت جهل مغبون رکن تحقق مفهوم غبن است و همچنین مقوم و محقق موضوع غبن است و با علم به قیمت واقعی کالا، اساساً موضوع غبن محقق نیست.

اگر مغبون آگاه از قیمت باشد و با وجود آن به زیادت‌ر معامله کند، دیگر خیار نخواهد داشت؛ زیرا آن چه غبن را بی اثر می‌کند، اقدام آگاهانه‌ی مغبون به زیان خود است و جهل به قیمت، از مصادیق بارزی است که در آن ها شخص آگاهانه به زیان خود عمل نمی‌کند. بنابراین با علم به غبن، به خاطر اقدام او علیه خود، غبن به مغبون استناد می‌یابد. اما با جهل او غبن به حکم شرعی لزوم عقد استناد می‌یابد و لذا برای رفع ضرر به مغبون اختیار فسخ می‌دهد. (فخرالدین اصغری آقا مشهدی و دیگران: ۱۳۹۳: ص ۱۲-۱۵).

بخش پنجم: شرایط اسقاط خیار غبن از دیدگاه حقوقدانان

برخی حقوق دانان شرط اسقاط خیار غبن به ویژه وقتی غبن فاحش است را با طبع عقود مغایه ای در تضاد می‌دانند زیرا در عقود مغایه‌ای همچون بیع هریک از طرفین در آن تلاش می‌کنند که حداکثر انتفاع را از طرف مقابل به دست آورند و اسقاط خیار غبن این عنصر اختصاصی عقود مغایه‌ای را تهدید می‌کند. بنابراین از نظر آنان چنین شرطی هم فاسد است و هم مفسد عقد. شاید تنها نویسنده‌ی برجسته‌ای که این نظر نظر را مطرح کرده دکتر لنگرودی باشند. ایشان معتقدند درج چنین شرطی باطل و مبطل عقد است. خلاصه استدلال ایشان به این قرار است: طبق بند اول ماده ۲۳۲ قانون مدنی شرط خلاف مقتضای عقد باطل و مبطل عقد است. از سویی ماده ۴۴۸ قانون مدنی مخالف ذات عقود مغایه است:

قانون در ماده ۴۴۸ اشتباه بزرگی کرده است.... شرط اسقاط کافه خیارات برخلاف مقتضای ذات عقد مغایه‌ای است. چنین شرطی هم فاسد و هم مفسد بیع است.... به این صورت باید جانب ماده ۲۳۳ را گرفت و حکم به ابطال چنین بیعی داد.... شرط اسقاط کافه خیارات از مصادیق بارز غرر است». در واقع ایشان بر این باورند که آن چه از ذاتیات عقود مغایه است، تعادل و همسانی تعهدات طرفین است و اگر طرفی تمام خیارات را ساقط کند، در واقع حقوق خود را بلاوجه و بدون ارزشی همسان و معادل آن از دست داده است. مخصوصاً خیار تدلیس و غبن و غیره که به نوعی تضمین‌کننده حقوق طرف معامله است و با اسقاط آن ضمانت اجرای تخلف از مفاد عقد از بین رفته و گویی تعهد لاتعهد می‌گردد.

این چگونه تعهدی است، که طرف مقابل حق تدلیس و غبن طرف مقابل را دارد و طرف مقابل نمی‌تواند در مقابل مغبون شدن و فریب خوردن معامله را فسخ کند، این امر قطعاً به غرری شدن معامله می‌انجامد

و طرفین را در وضعی نابرابر قرار می‌دهد. فلسفه جعل خیارات جلوگیری از ضرر و ضمانت اجرای اراده طرفین است و با رفع و دفع این ابزار، عقد و تخلف از آن عملاً بدون ضمانت اجرا است لذا این شرط خلاف عقل سلیم می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ص ۲۷۲)

این نظر گرچه در ابتدای امر نظری معقول به نظر می‌رسد، اما از ضعف‌هایی برخوردار است: اولاً اگر پذیرفته شود، که خیارات جزء حقوق طرفین هستند، نباید اسقاط آن را محدود و غیرمجاز بدانیم. تمام حقوق ناظر به یک عقد را می‌توان اسقاط نمود و این امر با ماهیت خیارات تناسب تام دارد.

نتیجه گیری

از مطالب فوق مقاله حاضر می‌توان نتیجه گرفت که:

- ✓ اصل در عقود ضروری است یعنی مفاد قرارداد لازم الاجرا است و قابل برهم زدن نیست. برطبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی می‌توان گفت، عقود که بر طبق قانون واقع شده‌اند، بین معامله و قائم مقام آنها لازم الاتباع است، مگر این که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».
- ✓ برطبق مبانی و مستندات خیار غبن از دلیل قرآنی، بنای عقلا و شرط ضمنی، دلیل لاضرر، روایت تلقی رکبان و اجماع بیان شده است و هر کدام دلایل خود را مطرح نموده‌اند، از میان مبانی غبن قاعده لاضرر و نظریه شرط ضمنی بیشتر از همه مورد توجه فقها قرار گرفته است.
- ✓ صرف نابرابری فاحش ارزش دو عوض از منظر فقه امامیه بر اساس نفی ضرر برای خیار غبن کفایت میکند و ارتباطی با دلایلی که باعث این نابرابری شده مانند تدلیس و اشتباه ندارد و ضرورتی ندارد که طرف قرارداد به عمد یا از راه حيله با مغبون معامله کرده باشد
- ✓ در مورد اینکه با اسقاط خیار غبن، خیار ناشی از چه میزان از غبن ساقط میشود، اصولاً سقف مشخصی برای غبن فاحش وجود ندارد مگر اینکه مغبون بتواند ثابت کند که قصد اسقاط خیار

✓ امجدیان، رضا؛ (۱۳۹۶). جایگاه قبض در عقود باطل، انتشارات قانون یار، تهران، چاپ اول.

در اینجا بر خود لازم میدانم از استاد گرامی و ارجمند دکتر حمید فلاح تشکر و قدردانی نمایم بخاطر راهنمایی‌های مفید و ارزشمند در انجام این مقاله.

منابع و مأخذ

۱. اصغری آقا مشهدی، فخرالدین و دیگران؛ (۱۳۹۳). شرایط تحقق خیار غبن، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳۷.
۲. اصغری، فریده، عابدیان کلخوران، حسن؛ (۱۳۹۳). خیار غبن در آیین فقه و قانون، مطالعات فقهی و فلسفی، شماره ۱۹.
۳. امامی، سید حسن؛ (۱۳۸۵). حقوق مدنی، ج ۱. تهران: انتشارات اسلامی.
۴. امیری قائم مقامی؛ (۱۳۹۱). عبدالمجید، ج ۱، حقوق تعهدات، ۱۳۹۱.
۵. انصاری، مرتضی؛ (۱۴۱۵ق). مکاسب، ج ۵، قم: مجمع الفکر الاسلامیه.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ (۱۳۷۵). تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران: نشر گنج دانش.
۷. حسینی سیستانی، سیدعلی؛ (۱۴۱۲ق). منهاج الصالحین، بی جا. بینا. بیتا. و راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دار العلم - الدارالشامیه.
۸. خویی، سید ابوالقاسم؛ (۱۳۸۶). مصباح الاصول، قم: نشر وجدانی.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر؛ (۱۴۲۳ق). دراسات موجزة فی الخيارات و الشروط، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۱۰. سکوتی نسیمی، رضا؛ (۱۳۹۰). حقوق مدنی عقود معین - مضاربه، نشر میزان. تهران: چاپ اول.
۱۱. شمس، عبدالله؛ (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، ج ۳، چاپ هشتم، تهران، دراک.
۱۲. شهیدی، مهدی؛ (۱۳۸۵). حقوق مدنی ۶ (عقود مهین یک)، تهران: مجد.

۱۳. صفایی، سید حسین؛ (۱۳۸۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: میزان.
۱۴. طباطبایی حکیم، سید محمد تقی بن محمد سعید؛ (۱۴۱۸ ق). الاصول العامة فی الفقه المقارن، چاپ دوم، قم: بی نا.
۱۵. طباطبایی، سید محمد صادق، و سید حسین اسعدی؛ (۱۳۹۲ ش). «باز پژوهی مفهوم غبن فاحش در فقه و حقوق ایران»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت ام، شماره ۷۴، تابستان.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن؛ (۱۴۱۷ ق). الخلاف، ج ۳، قم: جامعه مدرسین.
۱۷. کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۸۳). حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. محقق ثانی، علی بن حسین؛ (۱۴۰۸). جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۹. موسوی اصفهانی، سید ابوالحسن؛ (۱۳۹۳ ق). وسیله النجاه، ج ۱، قم: بی نا.
۲۰. مهدوی، محمد هادی؛ (۱۳۹۷). مبانی و مستندات خیار غبن در فقه مذاهب اسلامی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی فقه مقارن، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان.
۲۱. نایینی، میرزا محمد حسین؛ (۱۴۱۸ ق). منیه الطالب، ج ۳، قم: جامعه مدرسین.
۲۲. نجفی، محمد حسن؛ (۱۳۷۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. نراقی، حاج ملا احمد؛ (۱۴۰۸ ق). عوائد الایام، قم: بی نا.
۲۴. نکویی، محمد؛ (۱۳۸۶). کیفیت اعمال خیار غبن، کانون، شماره ۷۴.
۲۵. نوین، پرویز، خواجه پیری؛ (۱۳۸۲). عباس، حقوق مدنی ۶، تهران: گنج دانش.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) موسسه قانون یار، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی-دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش و ...

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

**پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام**

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی
- علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی
- علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی
 دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی
 مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۲۶ - ۰۲۱۶۹۶۷۴۸۶۲۵
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
Scientific Information Database
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information Database
  DRJI
Directory of Research Journals Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science